

# فضول باشی و قصه ثبت نام کاندیداهای هیئت فوتبال استان

چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است. این ضربالمثل کاملاً در وصف داستان ثبت نام کاندیداها برای به دست آوردن صندلی ریاست هیئت فوتبال استان صادق است.

وقتی همه چیز روشن و آشکار است چرا باید وقت تلف شود، هزینه اضافی انجام بگیرد و برای عدهای فضای میدان داری و یا هواداری و چماقداری و زیر آبرزی فراهم شود؟ وقتی شرایط حاکم بر روند انتخابات از ماهها قبل بر وفق مراد و خواسته برخیها باشد سینه پاره کردن دیگران چه دلیل و چه علتی دارد؟ وقتی مهرهها را شناسایی و بر روی آنها سرمایه گذاری شده این ثبت نامها و فرایندهای بعدی آن چه صیغهای می باشد؟

آنهایی که دوست دارند به کاخ حافظ برسند به نصایح، پیشبینیها و گفتههای کسانی که بدجوری برای پیروزی مطمئن هستند گوش نمیکنند و خود را به درد سر میاندازند و بیخود و بیجهت انرژی مصرف میکنند.

به جرئت میگویم که همه این کارها جز اجرای یک سناریوی از پیش تعیین شده چیز دیگری نیست. آنها بهتر است بروند و کنار بکشند و بگذارند آنها که برای این کار از ماهها قبل برنامه ریزی کرده و مهرهها جایجا نموده و با عدهای هم قسم شده اند به راحتی و بدون استرس به نتیجه برسند.

گفتم: فضول باشی از راه نرسیده این چه بساطی است که راه انداخته ای، برو استغفار بکن. مهندسی کردن مجمع و یا مهره چینیها ساخته و پرداخته ی ذهن معیوب و عقل ناقص تو می باشد. من دهها دلیل و مصاحبه و گفتگو می توانم برای شما نشان بدهم که همواره گفته اند، اساسنامه ملاک و معیار اقدام در هیئت فوتبال استان است. ادعایی به این بزرگی که نمیتواند شعار و یا دروغ باشد. برو برادر، برو و مقداری به دنیای بعد از مرگ فکر کن تا این همه به پروپای مردم نیچی و زحمات عدهای را در برگزاری یک مجمع بیطرفانه و منصفانه زیر سوال نبری.

گفت: به تو چه وعدهای داده اند که این قدر تغییر موضع داده و مرا متهم می کنی. من فضول باشی هستم و هیچ وقت بدون دلیل حرف نمی زنم.

تو که این قدر دو آتشی طرفداری می‌کنی آیا توان پاسخ گفتن به یک سؤال را داری؟

گفتم: جان هر کسی که دوست داری سؤال‌های سخت و محرمانه و طبقه‌بندی می‌پرس. اگر سؤال‌ات معمولی باشد من در خدمت‌ام. هیچ ایرادی ندارد، یا قدرت پاسخ‌گویی خواهم داشت و یا مثل خیلی‌ها به آرامی از کنار سؤال تو گذر خواهم نمود.

گفت: مردومردانه می‌توانی آقای گل مسابقات لیگ به اصطلاح برتر استان را معرفی بکن؟

حرف‌اش را قطع کردم و گفتم ولکن بابا به من و تو چه مربوطه که چه کسی آقای گل شده است. اصلاً در مکتب ما و در حوزه استان اردبیل اتفاقات روی داده در لیگ محرمانه است. اطلاع‌رسانی نمی‌کنیم. بسوز و دق مرگ بشو. اطلاعات لیگ ما مخصوص ازما بهتران است، تو را سینه نه، برو به کار و زندگات برس و زیاد در حوزه مسئولیت دیگران سرک نکش.

در ادامه گفتم: تا افرادی چون تو در این ورزش و فوتبال هستند امیدواری برای بهبود حال‌وروز آن سرابی بیش نیست. تو می‌گویی حرفی نزن، انتقادی مکن و ما را از وضعیتی که داریم قدمی رو به جلو حرکت نده. ده‌ها سال در وضعیت فعلی ماندن و فکر پیشرفت را از ذهن دور کردن، هدف تو می‌باشد. (21/8/1400).

فضول باشی نمی‌خواهد ساکت بشود: تو آزادی و مختار که هر جور می‌خواهی فکر بکنی و قضاوت نمایی ولی من بار دیگر به کاندیداهای ریاست هیئت فوتبال به‌جز آقای خاص نصیحت می‌کنم که بی‌خود و بی‌جهت خود و دیگران و فدراسیون‌نشین‌ها را اذیت نکنند، نتیجه قابل‌پیش‌بینی است، پس متحمل زحمت نشوید.

فضول باشی با صورتی برافروخته و چشم‌هایی از حدقه درآمده و صدایی لرزان افزود: آیا این کاندیداهای آمده‌اند که به فوتبال خدمت کنند؟ دور از لطف نیست که به این لطیفه کوچک دقت کنند.

عربی، غلام می‌خرید. برده‌فروش گفت: عیب‌اش را هم بگویم که در رختخواب بول می‌کند.

عرب گفت: اگر رختخواب یافت، هر کاری که می‌خواهد، بکند.